

## چالش ۹۱ درصد دانشجویان دکتری برای فارغ التحصیلی

پایگاه خبری اختصار- گزارش واکاوی وضعیت میزان ماندگاری (رسوب) دانشجویان در دانشگاه براساس داده ها و شواهد آماری منتشر شد.

به گزارش اختصار به نقل از فرهیختگان، نظام آموزش عالی کشور برای هر مقطع تحصیلی، بازه زمانی مشخصی را به عنوان «سنوات مجاز» تعیین کرده است؛ به گونه ای که طول دوره کاردانی و کارشناسی ارشد ۲ سال، کارشناسی ۴ سال و دکتری تخصصی حداقل ۴ و حداکثر ۶ سال در نظر گرفته شده است. با این حال، بررسی های آماری نشان می دهد فرایند فارغ التحصیلی در عمل همواره مطابق این زمان بندی پیش نمی رود و بخش قابل توجهی از دانشجویان با پدیده «ماندگاری تحصیلی» یا رسوب مواجهند.

گزارش ها حاکی از آن است که میزان ماندگاری از حدود ۵۰ درصد در مقطع کاردانی تا نزدیک به ۹۰ درصد در مقطع دکتری فراتر از سنوات قانونی است؛ موضوعی که نشان می دهد دانشگاه ها با چالشی فراتر از چهارچوب آیین نامه ها روبه رو هستند. در همین راستا، گزارش «راهبری واکاوی وضعیت میزان ماندگاری (رسوب) دانشجویان در دانشگاه» که توسط کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و بر پایه داده ها و شواهد آماری تدوین شده، به بررسی ابعاد مختلف این مسئله پرداخته است. مشروح این گزارش را در ادامه از نظر می گذرانید.

### ماندگاری تحصیلی؛ مسئله ای کلان در سیاست گذاری آموزش عالی

پدیده ماندگاری یا رسوب دانشجویان در نظام آموزش عالی، امروزه به یکی از مهم ترین موضوعات در مسیر حکمرانی آموزشی تبدیل شده است. اگرچه در تمامی نظام های علمی جهان، بازه زمانی مشخصی به عنوان سنوات مجاز برای تحصیل تعریف می شود؛ اما عبور از این خط زمانی مشخص شده و طولانی شدن آن نه تنها کاهش یادگیری، فشارهای روانی و حسرت فرصت های شغلی از دست رفته را بر دانشجویان وارد می کند، بلکه بار سنگین تری را بر دوش بودجه عمومی و نظام آموزش عالی کشور تحمیل می کند. به عقیده کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، سیستم آموزشی زمانی بهره ور شده و معنا می یابد که دانشجو در زمان مقرر، آماده ورود به عرصه خدمت و کار شود. به همین دلیل از نظر آن ها واکاوی پدیده رسوب دانشجویی، دیگر تنها یک دغدغه آموزشی نیست، بلکه ضرورتی در سیاست گذاری کلان است؛ که نخستین گام، برای عبور از این چالش شناخت دقیق وضعیت موجود بوده تا بتوانند بر مبنای آن آیین نامه ها و مشوق هایی تدوین کنند.

### نیمی از دانشجویان مقطع کاردانی به موقع فارغ التحصیل نمی شوند

مقطع کاردانی یا همان دوره فوق دیپلم، در اصل راه کوتاه مدت و ۲ ساله برای پیوند میان دانش نظری و مهارت های عملی است تا راه ورود به بازار کار را هموار سازد. با این حال، گزارش های کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس نشان می دهد که میانگین حضور در این دوره به جای ۴ نیم سال، به ۵ نیم سال رسیده است. این به معنای آن است که نیمی از دانشجویان این مقطع دانشگاهی، در موعد مقرر به مقصد می رسند، اما نیم دیگر با پدیده رسوب یا ماندگاری مواجه می شوند. البته به عقیده آن ها ماندگاری را می توان ملایم حساب کرد، زیرا با افزودن تنها یک ترم به زمان مجاز، حدود ۸۵ درصد دانشجویان و با گذشت سه سال، حدود ۹۵ درصد دانشجویان فارغ التحصیل می شوند. از سوی دیگر این ماندگاری با نرخ ۴.۷۷ در مردان باعث شده تا بیشتر از زنان

ماندن در این مقطع را تجربه کنند. البته این تأخیر در رشته‌های مختلف هم یکسان نبوده؛ درحالی‌که دانشجویان رشته‌های کشاورزی و دامپزشکی با کمترین ماندگاری، راهی بازار کار می‌شوند، رشته‌های علوم پایه با میانگین ۷ ترم، طولانی‌ترین زمان را در دانشگاه سپری می‌کنند.

### ۱۵ درصد دانشجویان مقطع کارشناسی به ترم دهم می‌رسند

مقطع کارشناسی به‌عنوان سطح پایه آموزش عالی، بر آموزش اصول نظری و زیربنای علمی رشته‌ها تمرکز دارد. این مقطع در دو نوع کارشناسی پیوسته که پس از دیپلم و طی یک دوره ۴ ساله و کارشناسی ناپیوسته که دانشجویان ابتدا کاردانی را گذرانده و سپس با قبولی در کنکور و طی حدود ۲ سال با دریافت مدرک کارشناسی ارائه می‌شود. بر اساس گزارش کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، متوسط زمان مورد نیاز برای فارغ‌التحصیلی دانشجویان کارشناسی حدود ۸ ترم است. حدود ۷۰ درصد دانشجویان در مدت ۸ ترم یا زودتر فارغ‌التحصیل می‌شوند و تنها ۳۰ درصد بیشتر از سنوات مجاز طول می‌دهند. البته با احتساب یک ترم اضافه یعنی ۹ ترم، حدود ۸۵ درصد دانشجویان موفق به فراغت از تحصیل می‌شوند و فقط ۱۵ درصد تحصیل خود را تا ترم ۱۰ طول می‌دهند. از جهتی دیگر از نظر جنسیت نیز، دانشجویان پسر به طور میانگین ۰.۳ ترم بیشتر از دانشجویان دختر در این دوره ماندگاری دارند. از نظر گروه‌های تحصیلی هم، بالاترین میزان ماندگاری مربوط به دانشجویان فنی و مهندسی است که به طور متوسط تا ترم نهم طول می‌کشد. در مقابل، دانشجویان علوم انسانی به طور میانگین زیر ۸ ترم فارغ‌التحصیل می‌شوند.

طبق گزارش‌های کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تفاوت میزان ماندگاری بین دانشگاه‌ها هم قابل توجه است؛ به طوری که کمترین میانگین مربوط به دانشگاه الزهرا و بیشترین میانگین مربوط به دانشگاه صنعتی امیرکبیر است. هرچند به عقیده آن‌ها تبیین دقیق این تفاوت‌ها نیازمند تحقیقات بیشتری است؛ اما عواملی مانند جنسیت، تخصصی بودن دانشگاه و موقعیت جغرافیایی در این اخلاف درصدها بسیار تأثیرگذار است. در نهایت هم بیشترین میزان ماندگاری در مقطع کارشناسی در زیر مجموعه‌های نظام آموزش عالی مربوط به دانشگاه ملی مهارت و پس از آن دانشگاه‌های عمومی وابسته به وزارت علوم است.

### تنها یک‌سوم دانشجویان کارشناسی‌ارشد در موعد مقرر به مقصد می‌رسند

مقطع کارشناسی‌ارشد به‌عنوان نخستین سطح تحصیلات تکمیلی، پس از دوره کارشناسی آغاز می‌شود و به‌طور معمول حدود دو سال به طول می‌انجامد. در این دوره، دانشجویان با روش‌های پیشرفته تحقیق آشنا شده و از طریق تدوین و دفاع از پایان‌نامه، توانایی خود را در تحلیل و حل مسائل تخصصی به نمایش می‌گذارند.

بررسی‌های کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد میزان ماندگاری دانشجویان زن و مرد در این مقطع تقریباً یکسان است و تفاوت محسوسی میان آن‌ها وجود ندارد؛ به طوری‌که میانگین ماندگاری برای دانشجویان پسر ۵.۵۵ ترم و برای دانشجویان دختر ۵.۵۴ ترم برآورد شده است. به بیان دیگر، دانشجویان پسر تنها اندکی بیش از دانشجویان دختر در این دوره ماندگار می‌شوند. از سوی دیگر، مقایسه میان گروه‌های تحصیلی نشان می‌دهد دانشجویان علوم انسانی در وضعیت متفاوتی قرار دارند و به‌طور متوسط حدود یک ترم زودتر از سایر گروه‌ها و عمدتاً در ۵ ترم فارغ‌التحصیل می‌شوند.

از سوی دیگر طبق این گزارش‌ها، در بحث زمان‌بندی فارغ‌التحصیلی، تنها حدود ۲۵ درصد از دانشجویان در موعد

مقرر ۴ ترم دانش‌آموخته می‌شوند. در این میان، ۸ درصد نیز زودتر از سنوات مجاز و طی ۳ ترم فارغ‌التحصیل شده که در مجموع نشان می‌دهد حدود یک‌سوم دانشجویان در سنوات مجاز یا قبل از آن تحصیل خود را به پایان می‌رسانند و در مقابل، حدود ۶۷ درصد یا به عبارتی دوسوم دانشجویان دچار ماندگاری تحصیلی می‌شوند. البته بررسی وضعیت دانشگاه‌ها توسط این کارشناسان نیز نشان می‌دهد که دانشگاه فردوسی مشهد با میانگین ۶.۶۹ ترم، بیشترین میزان ماندگاری و دانشگاه بوعلی‌سینا همدان با ۴.۳۶ ترم، کمترین میزان ماندگاری را در مقطع کارشناسی ارشد دارند. البته از طرفی هم دانشجویان دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم بیشترین میزان ماندگاری و دانشجویان دانشگاه پیام نور پایین‌ترین میزان ماندگاری را تجربه می‌کنند.

## ۹۰ درصد دانشجویان دکتری به سنوات می‌خورند

دوره دکتری تخصصی هم یکی از مقاطع تحصیلی مهم و چالش‌برانگیز در مسیر تحصیلات عالی است؛ که مدت تحصیل در این دوره می‌تواند بسته به رشته و دانشگاه متفاوت باشد، اما به طور معمول می‌تواند بین ۴ تا ۶ سال طول بکشد. بررسی‌های کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که میانگین ماندگاری دانشجویان دکتری تخصصی در دانشگاه‌های کشور به جز دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های علوم پزشکی ۱۱.۷۰ ترم، یعنی بیش از ۵ سال و نیم است. این آمار نشان می‌دهد که دانشجویان به طور میانگین حدود یک سال و نیم بیش از سنوات مجاز در دانشگاه می‌مانند. ماندگاری که علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین بر بدنه آموزش عالی کشور، دانشگاه‌ها را از نظر امکانات خوابگاهی و رفاهی نیز دچار مضایقه جدی کرده است. البته طبق بررسی‌های این کارشناسان تنها ۶ درصد از دانشجویان دکتری در سنوات مجاز (۸ ترم) دانش‌آموخته می‌شوند و در مجموع، فقط ۹ درصد دانشجویان در موعد مقرر یا قبل از آن تحصیل خود را به پایان می‌رسانند. به عبارتی حدود ۹۰ درصد دانشجویان دکتری بیش از سنوات مجاز در این دوره ماندگاری دارند. حتی با افزودن یک سال به سنوات یعنی ۱۰ ترم، تنها ۳۲ درصد دانشجویان فارغ‌التحصیل می‌شوند و با گذشت دو سال اضافه یعنی ۱۲ ترم یا ۶ سال، این میزان به ۶۱ درصد می‌رسد. البته نکته قابل توجه این بوده که برای حدود ۴۰ درصد دانشجویان، دوره دکتری بیش از ۶ سال به طول می‌انجامد و فارغ‌التحصیلی آن‌ها به ترم سیزدهم و بعد از آن موکول می‌شود.

البته کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با بررسی‌های لازم متوجه شدند که میزان ماندگاری دانشجویان زن و مرد، با کسب نرخ ۱۱.۷۱ ترم برای پسران و ۱۱.۴۹ ترم برای دختران در این مقطع بسیار به هم نزدیک است.

از سوی دیگر، میزان ماندگاری بر حسب گروه‌های تحصیلی در این مقطع متفاوت است؛ به گونه‌ای که دانشجویان فنی و مهندسی ماندگاری بسیار بیشتری نسبت به گروه‌های علوم انسانی و هنر دارند. این مسئله نشان می‌دهد که بخشی از دلایل طولانی شدن تحصیل، ناشی از ماهیت رشته‌ها و فرایندهای پژوهشی مانند انجام رساله، استخراج نتایج و چاپ مقاله برای دفاع است. از سوی دیگر به عقیده این کارشناسان، تفاوت معناداری در میزان ماندگاری دانشجویان دانشگاه‌های مختلف وجود دارد که می‌تواند به سیاست‌های داخلی هر دانشگاه در مدیریت آموزش و پژوهش مربوط باشد. به عنوان مثال در شهر تهران، سطح درآمد و نرخ بالای اشتغال ممکن است دانشجو را از نظر تحلیل هزینه-فایده به طولانی کردن دوران تحصیل ترغیب کند؛ به گونه‌ای که دانشگاه تهران با نرخ ۱۱.۳۳ ترم و دانشگاه شریف با ۱۱.۱۹ ترم، بالاترین نرخ ماندگاری را دارند. با این حال، میانگین دانشگاه ایلام

۱۰۴۰ نیز از دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۰۱۵ بالاتر است. در نهایت، بررسی زیرنظام‌های آموزشی نشان می‌دهد مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی بیشترین میزان ماندگاری و دانشگاه پیام نور پایین‌ترین میزان ماندگاری را در مقطع دکتری به خود اختصاص دادند.

از آنجایی که هر پدیده‌ای در اثر عوامل مختلفی به وجود می‌آید؛ موضوع ماندگاری دانشجویان در مقاطع مختلف دانشگاهی نیز با توجه به ماهیت و اهمیت آن، متأثر از موارد متعددی است. یکی از سؤالات کلیدی در این خصوص آن است که آیا طولانی شدن دوران تحصیل اقدامی عمدی از طرف دانشجویان است یا ریشه در قوانین آموزشی، پژوهشی و به‌طور کلی ساختار نظام آموزش عالی دارد؛ به عبارتی باید تبیین کرد که آیا پیچیدگی‌های خاص برخی رشته‌ها و فرایندهای پژوهشی زمان‌بر، مانند انتظار برای به ثمر نشستن نتایج آزمایش‌ها، در این تأخیر مؤثر است یا نه. بررسی‌های کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد طیف گسترده‌ای از عوامل، از مشروط شدن در مقاطع پایه تا طولانی شدن فرایند تدوین رساله در مقاطع عالی، در بروز این وضعیت نقش دارند. البته بخشی از این ماندگاری می‌تواند ناشی از انگیزه‌های فردی دانشجو برای مدیریت چالش‌های پس از فارغ‌التحصیلی باشد؛ به عبارتی مواردی مانند به تعویق انداختن خدمت سربازی، تداوم بهره‌مندی از امکانات خوابگاهی به‌ویژه برای دانشجویان شاغل و یا اجتناب از اتفاقاتی نظیر بازگشت به زادگاه یا فشارهای اجتماعی، همگی نشان‌دهنده قصد عمدی دانشجویان برای طولانی کردن دوران تحصیل هستند. با این حال به عقیده این کارشناسان، نمی‌توان تمام مسئولیت را متوجه دانشجویان دانست، چراکه مقررات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها، از جمله الزام به چاپ مقالات علمی برای اجازه دفاع، خود از موانع ساختاری مهم در مسیر دانش‌آموختگی به‌موقع محسوب می‌شوند. یافته‌های پژوهشی آن‌ها در این زمینه نشان‌دهنده این بوده که حدود ۴۸ درصد از دلایل ماندگاری به عوامل فردی و خانوادگی با تأکید بر چالش‌های روان‌شناختی مربوط می‌شود، درحالی‌که عوامل آموزشی و سازمانی با محوریت ضعف در برنامه‌های درسی سهمی ۴۰ درصدی دارند و ۱۲ درصد باقی‌مانده نیز ناشی از مسائل اجتماعی و اقتصادی و مؤلفه‌های مالی است که در مجموع فرایند فارغ‌التحصیلی دانشجویان را با کندی مواجه می‌کند. طولانی شدن مدت تحصیل فراتر از بازه زمانی استاندارد، صرفاً یک موضوع آموزشی ساده نیست، بلکه چالشی چندبعدی با پیامدهای گسترده مالی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و حتی سیاسی است. از منظر مالی، این پدیده بار سنگینی را بر نظام بودجه‌ریزی آموزش عالی تحمیل کرده و منجر به ایجاد مضایقه در تأمین مسکن دانشجویی و خدمات رفاهی می‌شود؛ وضعیتی که در نهایت بازدهی سرمایه‌گذاری آموزشی را کاهش داده و بدهی‌های دانشجویی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، تداوم حضور طولانی‌مدت در محیط‌های آموزشی، فرصت‌های حیاتی اجتماعی مانند اشتغال و ازدواج را از دانشجو سلب می‌کند و با ایجاد فشارهای روحی و روانی، زمینه‌ساز بروز مشکلاتی نظیر افسردگی، ناامیدی و کاهش جدی انگیزه برای ادامه مسیر علمی می‌شود.

از سوی دیگر به عقیده این کارشناسان این روند در حوزه آموزشی نیز پیامدهای نامطلوبی دارد و به‌ویژه به دلیل تجمع بیش از حد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مراحل پایان‌نامه و رساله تحت نظر اساتید محدود، منجر به کاهش کیفیت پژوهش و افت کارایی کل سیستم آموزشی می‌شود. در واقع، گرایش به ماندگاری در دانشگاه، علاوه بر لطمه به دانشجو و خانواده، نهاد آموزش عالی را نیز با بحران مواجه می‌کند؛ زیرا رسوب تحصیلی فراتر از سنوات مجاز، کارایی سرمایه‌گذاری‌های دولت را کاهش داده و با افزایش فشار بر منابع مالی، موجب بی‌ثباتی در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌شود. از طرفی، این ماندگاری طولانی‌مدت با تشدید بار آموزشی و

پژوهشی بر دوش اعضای هیئت علمی، کیفیت ارتباطات میان استاد و دانشجو را خدشه دار کرده و سلامت روانی هر دو طرف را به مخاطره می اندازد. تجمع دانشجویان و تمرکز فعالیت های پژوهشی بر تعداد محدودی از اساتید، نه تنها ارزیابی های عادلانه را مختل می کند، بلکه فرصت های رشد را برای سایر پژوهشگران و اعضای هیئت علمی محدود می سازد. در نهایت، تداوم این پدیده راهبردهای کلان برای بهبود مدیریت منابع و ارتقای کیفیت آموزش عالی را با چالش های جدی و بن بست های اجرایی روبه رو می کند.

از نگاه کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی پدیده ماندگاری یا رسوب دانشجویان در دانشگاه، صرفاً یک مشکل آموزشی و درسی نیست، بلکه مسئله ای چندلایه است که با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و روانی جامعه گره خورده و به همین دلیل یک سری از راهکارها را برای برون رفت از این وضعیت پیشنهاد داده اند:

۱- از آنجایی که در مقطع کاردانی حدود ۵۰ درصد دانشجویان دچار رسوب می شوند؛ تنها با کاهش یک ترم تحصیلی می توان میزان دانش آموختگی را حداقل به ۸۴ درصد افزایش داد، تا رسوب از ۵۰ درصد به ۱۶ درصد کاهش یابد.

۲- در مقطع کارشناسی نیز از جایی که کاهش یک ترم منجر به کاهش ۱۵ درصدی رسوب دانشجویان می شود. با توجه به حجم بالای دانشجویان این مقاطع، پیشنهاد شده که سیاست گذار بر کاهش زمان دانش آموختگی به میزان حداقل یک ترم تحصیلی متمرکز شود که به ترتیب می تواند باعث کاهش رسوب حدود ۲۲۵ هزار دانشجو در مقطع کارشناسی و ۱۷۴ هزار دانشجو در مقطع کاردانی شود. البته به گفته آنها با توجه به اینکه اساساً در مقاطع پایه کاردانی و کارشناسی، دلیل اصلی ماندگاری، مشروط شدن دانشجو است؛ بنابراین استفاده از سازوکارهایی مانند راهبری و هدایت تحصیلی دانشجویان ضعیف، معرفی افراد مشروط به دفاتر مشاوره و پایش پیشگیرانه عملکرد تحصیلی با به کارگیری فناوری های نوین مانند یادگیری ماشین و هوش مصنوعی توصیه شده است.

۳- از نظر کارشناسان مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در مقاطع تحصیلات تکمیلی نیز طولانی شدن فرایند تکمیل پایان نامه و رساله، علت اصلی ماندگاری؛ بنابراین تسهیل و تسریع فرایندهای تدوین پایان نامه مانند منوط نکردن دفاع از رساله به چاپ یا پذیرش مقاله بلکه منوط کردن دانش آموختگی به چاپ مقاله و همچنین لزوم ورود دانشجویان دکتری تخصصی با موضوع مشخص پژوهشی برای رساله، پیشنهاد شده است.